

مطالعه کیفی ازدواج پرمخاطره در زنان درگیر طلاق

شهر یزد

حسین افراسیابی*

استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

رقیه دهقانی دارامرود

دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

چکیده

ازدواج و همسرگزینی یکی از تجربه‌ها و رویدادهای مهم در زندگی شخصی و اجتماعات انسانی، به‌ویژه در فرایند شکل‌گیری نهاد خانواده است. از همین رو خطا در زمینه انتخاب همسر و اقدام به ازدواج پرمخاطره می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از مسائل در زندگی فرد و جامعه باشد. هدف این پژوهش، کشف زمینه‌ها و انواع ازدواج پرمخاطره از طریق ادراک و معنای ذهنی زنانی است که درگیر فرایند طلاق هستند. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش نظریه‌ی زمینه‌ای انجام شد. جامعه‌ی مورد مطالعه زنان شهر یزد بودند و در نمونه‌ی پژوهش ۳۳ نفر از زنانی مشارکت داشتند که به ازدواج پرمخاطره منجر به طلاق اقدام کرده‌اند. از روش نمونه‌گیری هدفمند برای انتخاب نمونه‌ها و مصاحبه نیمه ساخت‌یافته برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. داده‌ها با شیوه کدگذاری نظری تجزیه و تحلیل شد. بر اساس یافته‌ها زمینه‌های به وجود آورنده ازدواج پرمخاطره، شرایط بحرانی دوران مجردی مشارکت‌کنندگان بود؛ از جمله این شرایط زندگی در خانواده‌های نابسامان که با فقر، طلاق والدین، احساس تنهایی، سالخورده‌گی والدین همراه بوده است. همچنین زندگی در خانواده‌های سرکوبگر و سختگیر، کلیشه‌های فرهنگی و جهان‌بینی توسعه‌نیافته زمینه اقدام به یک ازدواج پرمخاطره را فراهم کرده بود. زنان مشارکت‌کننده انواع ازدواج پرمخاطره از جمله ازدواج بحران‌گریز، ازدواج احساسی، ازدواج خودمحو‌رانه، ازدواج پنهانی، ازدواج مصلحتی و... را تجربه کرده بودند.

واژگان کلیدی

ازدواج، طلاق، مخاطره، همسرگزینی، خانواده

* نویسنده مسئول

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۴/۱۳

تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۳/۲۳

DOI: 10.22051/jwsps.2017.10643.1232

مقدمه و بیان مسئله

ازدواج مبنای شکل‌گیری نهاد خانواده، مناسک‌گذار افراد از جوانی به بزرگسالی و مهم‌ترین واقعه در زندگی فردی، همواره در افکار عمومی جامعه و در تحقیقات علمی و دانشگاهی توجه‌برانگیز بوده است. ازدواج از طریق فراهم کردن مجموعه‌ای خاصی از حقوق، امتیازات تعهدات، مسئولیت‌ها و انتظارات نقشی جدید، از روابط زناشویی پایدار حمایت می‌کند و موجب بقاء و تداوم نهاد خانواده و ساختار اجتماعی می‌شود. ازدواج به همراه سازوکارهای تحقق و نظم و ترتیبات مرتبط با آن، یکی از پدیده‌های مهم اجتماعی، فرهنگی و زیستی است که هم متأثر از تحولات جامعه و هم تأثیرگذار بر آن است. آلن ژیرارد^۱ ضمن بیان این نکته که در میان تمامی آداب، مراسم و وقایع اساسی زندگی انسان، ازدواج اهمیتی بسیاری دارد، در این زمینه بیان می‌کند که «هم از نظر فرد، هم از دیدگاه زیستی و هم از منظر اجتماعی هیچ نهادی نیست که همانند آن جهانی و از نظر غایت ثابت و پایدار باشد. از این رو هیچ نهادی نیز همانند آن تحت تأثیر دگرگونی‌های اجتماعی قرار نمی‌گیرد» (میشل، ۱۳۵۴: ۱۵۱). امروزه به دنبال صنعتی شدن جوامع، جنبه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی، دستخوش تغییرات و تحولات ژرف و فراگیری شده است. تحت تأثیر دگرگونی در شرایط اجتماعی، تغییرات عمده‌ای در مقولات اجتماعی نظیر موضوع ازدواج پدیدار شده است. جوامع هم‌اکنون با مسائلی همچون افزایش سن ازدواج، تغییر دیدگاه‌های جوانان در امر ازدواج و مواردی از این قبیل مواجه هستند. همچنان که گود بیان می‌دارد، تغییرات ملموسی در نظام خانواده در جهان در حال وقوع است که همه تغییرات در نقطه مشترکی باهم تلاقی می‌کنند که عبارت هستند از: افزایش سن ازدواج، کاهش ازدواج‌های ترتیب‌یافته و افزایش آزادی در انتخاب همسر (مهرگان، ۱۳۸۶: ۱۳). با توجه به تغییرات ساختاری و ارزشی سریع در دوران معاصر، خانواده را می‌توان «کوره تغییر» قلمداد کرد. در بستر این تحولات، ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها و شیوه‌های مرتبط با ازدواج و همسرگزینی، انتظارات همسران از همدیگر تعاملات بین آن‌ها به‌طور محسوسی تغییر یافته است (صادقی، ۱۳۸۵: ۲). رویداد ازدواج ورود به مرحله جدیدی از زندگی است که بخش بسیار مهمی از حیات فردی و اجتماعی هر فرد را دربرمی‌گیرد. چگونگی آغاز و شکل‌گیری روابط در رفتارها و برخوردهای بعدی آن‌ها اثرگذار است و

1. Alain Girard



می تواند زوجین و فرزندان را تحت تأثیر مثبت یا منفی خود قرار بدهد (جعفری، ۱۳۸۶). تمام افرادی که می خواهند ازدواج کنند قبل از شروع زندگی زناشویی به تحقق زندگی مشترک موفق و بادوام امیدوار هستند (اولیاء، ۱۳۸۸). واقعیت امر این است که زندگی زناشویی همیشه در معرض خطر است و مشکلات متعددی نظیر نارضایتی زناشویی، اعتیاد همسر، روابط خارج از چارچوب خانواده، مشکلات مالی و... آن را تهدید می کنند. گاهی این مشکلات چنان پیچیده و لاینحل می شوند که چاره ای جز طلاق باقی نمی ماند.

یکی از آسیب هایی که خانواده عصر امروز را درگیر کرده است، ازهم گسیختگی و نابسامانی خانواده در قالب طلاق است، درحالی که مطالعات مختلف نشان می دهند، روند افزایش طلاق جهانی است (هال و ژائو، ۱۹۹۵؛ گونزالز و دیگران، ۲۰۰۹). در ایران نیز روند رو به رشد طلاق، خصوصاً از میانه دهه ۷۰ تا به امروز^۱، به افزایش توجه محققان و سیاست گذاران به این پدیده اجتماعی انجامیده است. از جمله ریشه های بروز این مشکلات اشتباه در انتخاب همسر، در ابتدای زندگی زناشویی است که ادامه مسیر زندگی را با دشواری های فراوانی مواجه می کند. هدف این تحقیق کشف انواع و زمینه های ازدواج پرخطر است. منظور از ازدواج پرخطر، نوعی ازدواج که احتمال شکست و ریسک پذیری در آن بالا است؛ با خطرات و تهدیداتی برای زندگی زناشویی فرد همراه است که شرایط و موقعیت نامناسب و نامطلوب فردی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی باعث شکل گیری این نوع ازدواج می شود. در بعضی موارد این نوع ازدواج حاصل نوعی عقلانیت بحران گریز است که فرد مجبور می شود از بین شرایط بد و بدتر، گزینه بد را انتخاب کند، در برخی موارد دیگر ممکن است ازدواج حاصل نوعی تصمیم احساسی، اجباری و... باشد.

با توجه به اهمیت ازدواج و اثرات مثبتی از قبیل ایجاد آرامش، روابط جنسی قاعده مند، تولید و تجدید نسل که می تواند برای هر فرد و جامعه در پی داشته باشد؛ مطالعه ای در این باب برای روشن شدن زمینه های ازدواج مخاطره آفرین و انواع این نوع ازدواج ها، پیامدها و مخاطرات آن ضروری به نظر می رسد. از جهتی دیگر بررسی ازدواج های مبتنی بر خطاهای همسرگزینی، امکان برنامه ریزی و اعمال سیاست های مناسب و اتخاذ تدابیر و برنامه های عملی برای کاهش این نوع ازدواج ها و موارد آسیب پذیر آن را برای کارشناسان و دست اندرکاران

1. براساس آمار، طلاق در سال ۹۰ به بیش از دو برابر میزان آن در سال ۷۵ رسیده است (ثبت احوال کشور).

اجرائی فراهم می‌آورد. همسرگزینی نادرست، موجب تضعیف بنیان خانواده، به خطر افتادن سلامت فرد و جامعه و بروز انواع آسیب‌های اجتماعی از جمله طلاق و طلاق عاطفی می‌شود. از این رو مطالعه و بررسی ازدواج‌هایی با ریسک‌پذیری بالا یکی از ضرورت‌های علمی دانش‌های اجتماعی محسوب می‌شود. ضرورت این پژوهش ناشی از تبعاتی است که این نوع ازدواج‌ها برای فرد و جامعه می‌تواند داشته باشد. همچنین با افزایش این نوع ازدواج‌ها با توجه به ساختار جمعیتی جوان جامعه ایران و آسیب‌هایی که در موارد مختلف می‌توان داشته باشد؛ مطالعه و بررسی خطاهای همسرگزینی به امری ضروری تبدیل شده است. لذا شناخت زمینه‌های آن هم از بعد علمی و هم از بعد کاربردی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها اهمیت بسیاری دارد. با توجه به اهمیت موضوع، هدف از این پژوهش شناخت انواع و ابعاد خطاهای همسرگزینی و زمینه‌های ظهور آن در بین زنان شهر یزد بود. این شهر از جمله شهرهایی است که فرهنگ و آداب و رسوم کهن خود را به نسبت تا حدود زیادی حفظ کرده و دارای خانواده‌هایی است که به نظر می‌رسد به علت آداب و رسوم سنتی و عرفی که حاکم بر عقاید آن‌هاست برخی باورها و نگرش‌های مرتبط با فرآیند ازدواج به شیوه سنتی را حفظ کرده است؛ از جمله این نوع ازدواج‌ها، می‌توان ازدواج تحمیلی و بدون مشورت با فرد را مثال زد. از جهتی دیگر زندگی در جامعه‌ای که تا حدود زیادی به عقاید کهن و نیاکان خود درباره مسائل مختلف پایبند است، ازدواج‌هایی از نوع بحران‌گیز را سبب شده است. مسئله اصلی موردبررسی در این پژوهش، ازدواج پرمخاطره است. به همین دلیل پژوهش بر آن بود که این مسئله را با استفاده از راهبرد کیفی و تکنیک مصاحبه بررسی کند تا به زمینه‌ها و ابعاد این نوع ازدواج در بین زنان شهر یزد با استفاده از دیدگاه و تفاسیر خود آن‌ها پی‌برده شود. در این تحقیق از رویکرد تفسیرگرایی برای تدوین چارچوب مفهومی استفاده شد. پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد مذکور در پی آن بود که با نگاه از درون، موضوع ازدواج پرمخاطره را از دیدگاه زنانی بررسی کند که این پدیده را تجربه کرده‌اند. به همین جهت سؤال‌هایی در این زمینه طرح شد که به شرح زیر است:

- فهم زنان از خطا در ازدواج پرمخاطره چیست؟
- زنان تحت چه شرایطی درگیر ازدواج پرمخاطره می‌شوند؟
- انواع ازدواج‌های پرمخاطره کدامند؟



مطالعات متعددی در زمینه عوامل مؤثر بر فرایند ازدواج و انتخاب، پیامدها و ابعاد آن صورت گرفته است، ولی در زمینه خطاهای موجود و ازدواج پرخطر مطالعه مطالعاتی به صورت مستقل انجام نشده است؛ فقط در برخی از مطالعات به مواردی از این نوع ازدواج اشاره شده است. در ادامه مشابه ترین عناوین پژوهش های انجام شده داخلی و خارجی، مرتبط با موضوع مورد بررسی پژوهش، مرور می شود.

آزاد و دیگران (۱۳۷۹) در مقاله ای با عنوان، بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طایفه نسل خانواده تهرانی؛ نگرش و ارزش های حاکم بر خانواده و ازدواج در میان تعدادی از خانواده های تهرانی را بررسی کردند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که در طی سه نسل، آن دسته از ازدواج هایی افزایش یافته که با آشنایی و رفت و آمد آزاد و بدون قید و شرط دخترها و پسرها انجام شده است. مولوی (۱۳۸۱) در مطالعه ای به شناسایی عوامل خطر و پیش بینی احتمال ناسازگاری در ازدواج را در شهر تهران اقدام کرده است. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که بین تصمیم گیری در مسائل مشترک زناشویی، انگیزه های ازدواج، مهارت های ارتباطی، تحصیلات و نوع شغل با میزان سازگاری و ناسازگاری زوجین رابطه وجود دارد. آشتیانی و همکاران (۱۳۸۳) در مطالعه ای ازدواج های موفق و ناموفق را در بین دانشجویان بررسی کرده اند. نتایج این مطالعه نشان داد که عوامل مؤثر بر ازدواج های موفق عبارت هستند از: اعتماد داشتن به یکدیگر، روابط کلامی و غیرکلامی مبتنی بر مراودات سالم توافق بر سر مسائل اساسی زندگی و...؛ اصغری و رفیعی نیا (۱۳۸۵) در پژوهشی، عوامل پیش بینی کننده یک ازدواج ناموفق را به طور کلی به شرح زیر بر می شمارند: تفاوت های فرهنگی، قومی، آداب و رسوم، مشکلات اقتصادی، عدم تفاهم فکری، اخلاقی، ازدواج عجولانه و احساسی و...؛ رضاخانی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی، رابطه کمال گرایی را با باورها و انگیزه های ازدواج در دانشجویان دانشگاه تهران بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که بین مؤلفه های کمال گرایی و باورهای نادرست ازدواج رابطه مثبت معناداری وجود دارد. میرباقری و همکاران (۱۳۹۲) میزان هنجارشکنی ازدواج و علل مؤثر بر آن را در تهران بررسی کردند؛ نتایج تحقیق حاکی از آن است که میانگین هنجارشکنی مردان بیشتر از زنان است و متغیرهای مستقل محرومیت نسبی، فرصت مادی، فرصت رابطه ای، فرصت فرهنگی، کنترل، اخلاق عملی، سازگاری درونی، سازگاری بیرونی و نگاه به ازدواج، در احتمال

هنجارشکنی ازدواج جوانان تأثیرگذار هستند. نگوین^۱ در پژوهشی الگوهای ازدواج را در ویتنام بررسی کرده است. او اشاره می‌کند که از سال ۱۹۴۵ هنجارهای ازدواج سنتی در اثر تغییرات اقتصادی، اجتماعی و آشفته‌گی‌های وقایع سیاسی رو به ضعف است. او اعتقاد دارد که توسعه سیستم آموزشی و افزایش کسب تحصیلات سبب به وجود آمدن ایده‌ها و نگرش‌های جدیدی درباره ازدواج می‌شود؛ همچنین اشتغال زنان در بخش‌های غیر کشاورزی و استقلال اقتصادی آن‌ها بر شیوه همسرگزینی تأثیر گذاشته و تمایل بیشتر به انتخاب آزادانه همسر را سبب شده است (نگوین، ۱۹۷۷: ۷۴-۴۹). سالتس و دیگران (۱۹۹۴) در مطالعه‌ای رابطه میان نگرش به ازدواج و روابط جنسی قبل از ازدواج را در بین دانشجویان تبیین کردند. نتایج این مطالعه نشان داد که دختران در مقایسه با پسران نگرش مثبت‌تری به ازدواج دارند.

در تحقیقات کیفی از نظریه‌ها به عنوان راهنمای نظری برای تفسیر و تبیین بیش‌تر ابعاد موضوع مورد مطالعه و حساسیت نظری (کوربین و اشتراوس، ۱۹۹۸) استفاده می‌شود. در این مطالعه نیز که با رویکرد کیفی انجام شده، به منظور آشنایی با مفاهیم و دیدگاه‌های موجود، برخی از تعاریف و نظریه‌ها درباره ازدواج مرور شده است.

در تعریف ازدواج، کارلسون بر کنش متقابل بین دو فرد (زن و مرد) تحت شرایط قانونی، لوی اشتراوس بر رفتار دراماتیک بین فرهنگ و طبیعت یا میان قواعد اجتماعی و کنش جنسی تأکید داشته‌اند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۳). جسی برنارد نیز ازدواج را مترادف با نظام فرهنگی از آراء و عقاید تربیتی، نهادی از نقش‌ها و هنجارها و تجربیات تعاملی پیچیده‌ای برای مردان و زنان تعریف می‌کند (ریتزر، ۱۳۷۴: ۳۰۶).

چلبی چهار سازه فرصت، نیاز، معنا و انتظار را در تبیین کثرتاری اجتماعی مطرح کرده و با مدد از این چهار سازه محوری، یک ابرتابع رفتار را پی‌ریزی کرده است و رفتار را تابعی از سازه‌های مذکور به صورت ترکیبی و تجزیه‌ای می‌داند. یکی از مفروضات اساسی چلبی در این تابع، آن است که اگر فرصت کم باشد، احتمال کثرتاری افزایش می‌یابد و اگر فرصت خیلی زیاد باشد، بازهم احتمال کثرتاری افزایش می‌یابد. همچنین در باب قضیه نیاز، رابطه نیاز با کثرتاری، یک ارتباط خطی مستقیم عنوان شده است. بر اساس این قضیه، اگر نیازها و مطالبات افراد جامعه، به ویژه نیازهای مادی افزایش یابند، احتمال کثرتاری فزونی می‌یابد. در



قضیه انتظارات اجتماعی، برای بازه معینی از انتظارات، نقش بازدارنده و تنظیمی برای کثرتاری در نظر گرفته می‌شود. در این قضیه گفته می‌شود که اگر انتظارات اجتماعی کم باشند یا از حد معقول تجاوز کنند، در هر دو صورت، احتمال کثرتاری زیاد می‌شود. در آخرین قضیه این ابرتابع رفتار، معنا چنین استدلال می‌شود؛ اگر معنا به هر دلیل رسا نباشد یا نادرست باشد یا به هر عنوان غیرمنطقی تلقی شود، اثر جهت‌دهی آن بر رفتار، از دست می‌رود. به بیانی دیگر؛ گمراهی و کثرتاری در غیاب جهت‌دهی معنا و با حضور جهت‌دهی نادرست آن اتفاق می‌افتد (چلپی، ۱۳۸۵: ۱۰۲). بنابر نظریه چلپی می‌توان گفت یکی از دلایل اقدام به ازدواجی که ریسک آن بالا است، فرصت کم (مثل بالا رفتن سن) و انتظارات متعارف یا نامتعارف خانواده و جامعه است که بنا بر آن از فرد انتظار می‌رود به واسطه انتظارات، هنجارها، عرف و... تحت هر شرایطی به ازدواجی با امکان بالقوه خطرآفرینی اقدام کند. در رابطه با قضیه نیاز و تطابق آن با ازدواج پرخطر می‌توان این چنین عنوان کرد که وقتی فاصله بین بلوغ جنسی و ازدواج زیاد می‌شود و همچنین فرد نمی‌تواند به خویشتنداری جنسی ادامه دهد، نیاز به روابط جنسی قاعده‌مند امکان این چنین ازدواجی را افزایش می‌دهد.

اینگلهارت در نظریه تحول و دگرگونی فرهنگی و ارزشی خود، به دنبال فهم چگونگی و چرایی تغییر و تحولات فرهنگی و ارزش‌ها و نگرش‌های جوامع است. به اعتقاد او جوامع دارای ارزش‌ها، نگرش‌ها و عادت‌های متفاوت و نسبتاً پایداری هستند که این عادت‌ها ثابت و تغییرناپذیر نیستند. درحالی‌که ارزش‌ها و نگرش‌های سنتی میان نسل‌های پیشین جوامع رواج دارد، نسل‌های جدیدتر دارای ارزش‌های متفاوتی هستند. با جانشین شدن نسل‌های جوان‌تر به جای افراد نسل‌های گذشته، جهان‌بینی متداول در جوامع دگرگون می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۸۳). به‌طورکلی نظریه مذکور اینگلهارت دارای دو فرضیه پیش‌بینی‌کننده است که دگرگونی ارزش‌ها را تبیین می‌کند: ۱) فرضیه کمیابی: که بر اساس آن اولویت‌های فرد بازتاب محیط اجتماعی و اقتصادی اوست و فرد بیشترین ارزش‌ها را برای چیزهایی قائل است که عرضه آن‌ها کم است؛ ۲) فرضیه جامعه‌پذیری: این فرض مبتنی بر این است که ارزش‌های اساسی فرد به شکل گسترده، منعکس‌کننده شرایط و فرایند جامعه‌پذیری او است که در سال‌های قبل از بلوغ تجربه کرده است (اینگلهارت، ۲۰۰۰: ۲۲۱). بر اساس نظریه تغییر ارزشی و نگرشی اینگلهارت می‌توان گفت زمینه‌های خانوادگی فردی که تن به ازدواج مخاطره‌آمیز

می‌دهد، همچون طبقه اجتماعی فرد، درآمد خانواده و زندگی در خانواده نابسامان به فرض کمیابی اینگلهارت مربوط هستند؛ بنابر نظریه مذکور همچنین می‌توان اعتقادات مذهبی و فرهنگی و به‌طور کلی جهان‌بینی و نوع نگرش فرد و اطرافیان نسبت به ازدواج را، که ممکن است به ازدواجی مخاطره‌آمیز منجر شود، مربوط به فرض جامعه‌پذیری اینگلهارت دانست. روث دیکسون^۱ در بحث از الگوها و مسائل ازدواج بر اهمیت ساختار اجتماعی و تغییرات آن تأکید می‌کند و در این خصوص به سه متغیر کلیدی تأثیرگذار بر ازدواج ۱- دسترسی (قابلیت دسترسی به همسر آینده با توجه به توازن نسبت جنسی در سنین ازدواج و الگوهای انتخاب همسر)؛ ۲- امکان (امکان‌پذیری ازدواج با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی)؛ ۳- تمایل (مطلوبیت ازدواج با توجه به هنجارها و فشارهای اجتماعی و انگیزه‌های فردی) اشاره می‌کند (دیکسون، ۱۹۷۱).

روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش کیفی برای گردآوری و همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. با توجه به اینکه هدف اصلی این مطالعه با اتخاذ رویکرد تفسیری آن بود که با نگاه از درون و از دیدگاه مشارکت‌کنندگان زمینه‌های ازدواج پر مخاطره بررسی شود، لذا روش‌شناسی کیفی به‌عنوان روش‌شناسی غالب و روش نظریه‌زمینه‌ای برای تجزیه و تحلیل داده‌ها انتخاب شده است. این انتخاب به دلایل مختلفی انجام شد، نخست ماهیت سؤال پژوهش است، زمینه‌های به‌وجود آورنده ازدواج مخاطره‌آمیز کدام است؟ پاسخگویی به این پرسش مستلزم شناخت معنا، تجربه و تفسیر افرادی است که اقدام به ازدواجی پر مخاطره کرده‌اند؛ دستیابی به این هدف با استفاده از تحقیق کیفی امکان‌پذیر است. دوم اینکه، همان‌گونه که اشتراوس و کوربین می‌گویند، روش‌های کیفی را می‌توان برای به دست آوردن جزئیات ظریف از پدیده‌هایی نظیر احساس، فرآیندهای ذهنی و هیجاناتی به کاربرد که آموختن درباره آن‌ها با استفاده از روش‌های متعارف پژوهش دشوار است (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۱: ۳۳). در این پژوهش نیز برای بررسی چگونگی شکل‌گیری ازدواج پر مخاطره و فهم و تفسیر ذهنی مشارکت‌کنندگان از این پدیده از روش کیفی استفاده شد. و در آخر علاقه و تجربه پژوهشگران است که از لحاظ



خلقی خود را برای انجام پژوهش کیفی مناسب‌تر می‌دانند. در سال ۱۹۶۷، گلیزر و اشتراوس^۱، نظریه زمینه‌ای را به جامعه علمی معرفی کرد. در روش نظریه زمینه‌ای، جمع‌آوری، تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که احتمالاً به دست می‌آید، با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند. محقق با نظریه‌ای پیش‌انگاشته شروع نمی‌کند، ترجیحاً با حوزه‌ای از مطالعه شروع می‌کند و اجازه می‌دهد که نظریه به وسیله داده‌ها ظهور کرده و خلق شود (گلیزر، ۱۹۶۷: ۳۲). برای انتخاب مشارکت‌کنندگان در این پژوهش از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد که با استفاده از آن با ۳۳ نفر از زنان شهر یزد مصاحبه شد که در بازه سنی ۱۸-۵۵ سال قرار داشتند و در فرایند طلاق بودند و با استفاده از معیار اشباع نظری درباره تعداد نمونه‌ها تصمیم‌گیری شد. بر اساس این معیار، زمانی که به این نتیجه رسیدیم که انجام بیشتر مصاحبه اطلاعات بیشتری در اختیار نمی‌گذارد و صرفاً تکرار اطلاعات قبلی است، گردآوری اطلاعات متوقف شد. تکنیک عمده مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه نیمه استاندارد یا نیمه ساختاریافته^۲ است. هر مصاحبه با کسب اجازه از مشارکت‌کنندگان توسط نوار صوتی ضبط و سپس رونویسی شد و رونویس‌ها به‌طور دقیق بازنگری و راهنمایی لازم را برای مصاحبه‌های بعدی فراهم می‌آورد؛ این فرایند تا مرحله اشباع نظری ادامه داشت. محتوای سؤال‌های مصاحبه به‌طور کلی در زمینه مواردی نظیر اطلاعات زمینه‌ای مشارکت‌کنندگان: سن، تحصیلات، شغل و...، چگونگی آشنایی با همسر، وضعیت خانوادگی قبل از ازدواج، شرایط اجتماعی، اقتصادی و... قبل از ازدواج، چگونگی تصمیم‌گیری برای ازدواج، میزان تشابه و تفاوت با همسر، تشابه و تفاوت پایگاه اقتصادی، اجتماعی زوج‌ها، نقش والدین در انتخاب همسر مشارکت‌کنندگان و مواردی از این قبیل بود.

به منظور رسیدن به معیار قابلیت اعتماد پژوهش از سه تکنیک متعارف و مرسوم در تحقیقات کیفی استفاده شد که عبارت هستند از: ۱- کنترل یا اعتباریابی توسط اعضاء (در این روش از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا یافته‌های کلی را ارزیابی کنند و درباره صحت آن نظر دهند. به همین منظور تفسیر مصاحبه‌ها به تعدادی از مشارکت‌کنندگان داده شد، آن‌ها اکثر نتایج تفسیری را تأیید و بر اساس نظرات آن‌ها در بعضی از موارد نیز تغییراتی ایجاد شد؛ ۲-

-
1. Strauss & Glasser
 2. semistructured interviews

مقایسه‌های تحلیلی (در این روش به داده‌های خام رجوع شد، ساخت‌بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی شد)؛ ۳- استفاده از نظر همتایان: در این مرحله دو نفر از اساتید متخصص در کار نظریه زمینه‌ای در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد، مراحل مختلف کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات را ارزیابی کردند.

یافته‌های پژوهش

مشارکت‌کنندگان در این پژوهش ۳۳ زن در بازه سنی ۱۸ - ۵۵ سال بودند. تحصیلات آن‌ها از بی‌سواد تا کارشناسی ارشد متغیر بود؛ در جدول (۱) به‌منظور ارائه تصویری ذهنی از مشارکت‌کنندگان، خلاصه‌ای از مشخصات زمینه‌ای و کلی آن‌ها ارائه شده است.

جدول ۱: مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

طول مدت دوران نامزدی	سطح تحصیلات			اختلاف سنی با همسر	نحوه آشنایی			دامنه سنی
	فوق‌لیسانس	لیسانس	پایین‌تر از لیسانس		معرفی دیگران	آشنایی در فضای مختلف شهری، دانشگاهی، کاری	نسبت خانوادگی	
از ۲ هفته تا ۱ سال	۲ نفر	۹ نفر	۲۲ نفر	از صفر تا ۱۴ سال	۱۰ نفر	۹ نفر	۱۴ نفر	۱۸-۵۵ سال

حاصل مصاحبه‌های نیمه ساخت‌یافته با ۳۳ نفر از زنان مشارکت‌کننده در پژوهش، دستیابی به داده‌هایی در خصوص زمینه‌ها و انواع ازدواج پرمخاطره بود؛ با واردکردن آن‌ها به فرایند کدگذاری مفهیمی به‌دست آمد که از طریق آن‌ها فهم و تفسیر زنان از ازدواج پرمخاطره، از طریق تجزیه و تحلیل داده‌ها آشکار شد. در ادامه ابتدا مقوله‌ها و مفاهیم حاصل شده در قالب جدول ارائه شده و در زیر جدول تحلیل‌های مربوطه ارائه می‌شود.



جدول ۲: مقوله‌ها و مفاهیم مستخرج از داده‌های مرتبط با زمینه‌های ازدواج پرمخاطره

مفهوم	مقوله
تخیل گرایی، سیر در گذشته، واقعیت‌گریزی، تقدیرگرایی، خطای هاله‌ای، کلیشه‌های فرهنگی باور به تغییر، نادیده گرفتن تفاوت‌ها، تلقی نادرست	ذهنیت نابالغ
طلاق والدین، مرگ والدین، فقر، سختگیری خانواده، مشاجره و درگیری خانوادگی	خانواده نابسامان
کنترل و نظارت، محدودیت، خانواده سختگیر	خانواده سرکوبگر
مقایسه کلیشه‌ای، فقر فرهنگی	فشار هنجاری

جهان بینی توسعه نیافته: جهان بینی توسعه نیافته، مربوط به طرز تفکر و نگرش فرد یا خانواده او در هنگام انتخاب همسر و تصمیم‌گیری برای ازدواج است. کلیشه‌های فرهنگی یکی از مفاهیم زیرمجموعه جهان بینی توسعه نیافته است. در جریان مصاحبه‌ها متوجه شدیم تعدادی از افراد نمونه در انتخاب همسر تحت تأثیر کلیشه فرهنگی عمل کرده‌اند، بعضی از آن‌ها اقرار می‌کردند با اینکه در جریان خواستگاری متوجه شده‌اند با فردی که هم‌اکنون همسر آن‌هاست، تفاهم ندارند یا اینکه فرد موردنظر دچار مشکل عمده‌ای بوده است، بنا را بر خوش‌خیالی و خوش بینی گذاشته‌اند؛ به این امید که در آینده مشکل رفع می‌شود یا اینکه می‌توانند او را تغییر دهند. زیرا این‌گونه باورها برای آن‌ها درونی شده، در چنین مواردی بنا بر تفکرات قالبی از قبیل اینکه همه مردها فلان رفتار را دارند و در آینده و در جریان زندگی می‌توان او را تغییر داد و... گذاشته می‌شود. در واقع این چنین افراد بر اساس یک سری باورها، ارزش‌ها و اعتقادات بین‌ذهانی عمل کرده‌اند که حالت قالب شده و ثابت داشته و هم‌اکنون جزئی از فرهنگ آن‌ها شده است. تصورات کلیشه‌ای مانع قضاوت و شناخت منطقی افراد نمونه نسبت به شناخت فردی شده است که هم‌اکنون به‌عنوان همسر با او زندگی می‌کنند. خانمی از مشارکت‌کنندگان که از خانواده و اطرافیانش خیلی ناراضی و گله‌مند بود و گاهی در حین صحبت کردن آن‌ها را نفرین می‌کرد، در رابطه با تأثیر کلیشه‌های فرهنگی در تصمیم او برای ازدواج می‌گوید:

«... تو جلسه‌های خواستگاری یادمه خیلی باهم حرف زدیم، من هر چیز می‌گفتم اون برعکسش بود مثلاً آگه من می‌گفتم نماز و روزه واسم مهمه اون براش مهم نبود. یادمه گفت اینا مال ۱۴۰۰ سال پیش بوده ... همون موقع هم گفتم مامان بابا من نمیتونم با این بشر بسازم،

مامانم الهی که خیر نبینه، می‌گفت ما هم اینجوری ازدواج کردیم همه چی بستگی به خودت داره، میتونی درستش کنی هنر زن همینه... همه می‌گفتن مردا مٹ موم هستن تودستت، تو باید خودت بلد باشی چه جوری بسازیش...»

خانواده نابسامان: با تجزیه و تحلیل گفتگوهای تعاملی با مشارکت‌کنندگان می‌توان ادعا کرد که زندگی در خانواده نابسامان یکی از زمینه‌ها و دلایل اقدام به ازدواجی با ریسک بالا است. با استناد به گفته‌های مشارکت‌کنندگان، تعدادی از آن‌ها به خاطر نوعی ناهنجاری و عدم تعادل در زندگی و البته پیشامدهای ناگوار در دوران مجردی، در خانواده پدر و مادری خود مجبور به ازدواج پرمخاطره شده بودند. این دسته از مشارکت‌کنندگان اظهار می‌کردند که شرایط آن‌ها به گونه‌ای بوده است که به اصطلاح فرار را بر قرار ترجیح داده‌اند. آن‌ها از جو خانوادگی خود قبل از ازدواج بسیار ناراضی بودند و آن را عامل مهمی در ناموفق بودن زندگی زناشویی خود می‌دانستند؛ زیرا معتقد بودند که فضای متشنج و پر از درگیری و بحث و بگومگوهای خانوادگی آن‌ها باعث شده که فقط به امید فضایی آرام و دور از هرگونه تنش و سروصدا و چشم‌پوشی از معیارهای دیگر ازدواج کنند. خانمی از مشارکت‌کنندگان که ۲۳ سال سن دارد و پر از بغض است و در حین حرف زدن دائم گریه می‌کند، معتقد است که همه عناصر دنیا دست‌به‌دست هم داده‌اند که نسخه بدبختی او را بیچند، در بخشی از صحبت‌هایش می‌گوید:

«...از همون بچگی بدبخت بودم، بدبخت‌تر از من تو این دنیا وجود نداره، اون از خونه پدریم، اینم از خونه شوهرم. تو خونه ما مدام جنگ و مرافه بود، داد و بیداد بود، فحش بود، دشنام بود، بگیر و ببند بود... با اینکه بچه بودم پدر و مادرم همه اعصاب خوردباشون رو سر من خالی می‌کردن... آگه پدرم میرفت و نمی‌تونست کار کنه از ما تقصیر می‌گرفت، آگه دختر همسایه شوهر می‌کرد مامانم منو دعوا می‌کرد آگه داداشم می‌رفت ولگردی من باید داد و بیدادای بابامو تحمل می‌کردم... حتی آگه پول آب و برق و گاز میومد، پدرم شروع می‌کرد به کتک زدن مامانم که زیاد اومده و تو بچه‌ها رو خوب تربیت نکردی... همیشه با فحش دادنای بابام، همسایه‌ها تو خونه ما می‌ریختن...»



فقر اقتصادی خانواده یکی از زمینه‌های مهم شکل‌گیری ازدواج مخاطره‌آمیز است؛ بعضی از مشارکت‌کنندگان با توصیف فضای خانوادگی خود قبل از ازدواج به وضعیت اقتصادی بغرنج اشاره می‌کردند. فقر یکی از پدیده‌های اجتماعی است که به صورت‌های مختلف برای خانواده‌ها آسیب‌زا بوده است که در بسیاری از موارد نتایج اسفباری چون افزایش جرم و جنایت، قتل، دزدی، بزهکاری، روسپیگری، اعتیاد، طلاق و... را به دنبال داشته است. فرشته خانمی ۳۸ ساله، یکی از افراد مورد مطالعه است، زنی لاغر و خشک و تکیده که چهره به شدت افسرده‌ای دارد، در چشم‌هایش غم و ناراحتی موج می‌زند؛ درباره زندگی خود می‌گوید:

«... پدرم دستش تنگ بود نمی‌تونست مخارج ما رو تأمین کنه، هرچند شب و روز تلاش می‌کرد که ما گشنه نمونیم یا خرج دفتر و کتاب هامون رو در بیاره، ولی نمی‌تونست، پدرم توانایی کار کردن نداشت خیلی ضعیف بود... بعضی موقع مجبور می‌شدیم پس‌مانده نون‌هایی که گذاشته بودیم به نون خشکی بدیم بخوریم، برادر خواهرای کوچیکترم از شدت گشنگی بی‌حال می‌افتادند. کسی به ما کمک نمی‌کرد تا جایی که مجبور می‌شدیم از باغ همسایه میوه‌ای بدون اجازه برداریم. سالی یک‌بار گوشت می‌خوردیم، اونم روز عاشورا بود که برامون نذری می‌آوردند... مجبور شدم ازدواج کنم باری از دوش پدرم کم کنم... شوهرم مدام با کلمات طعنه‌آمیز با من حرف می‌زنه تا حالا صدمبار گفته خوب شد گرفتمت وگرنه بابات تو رو به یه پیرمرد پولدار می‌فروخت...»

خانواده سرکوبگر: از میان نمونه‌ها کسانی بودند که به خاطر سختگیری‌های بی‌مورد والدین تن به ازدواجی ناخواسته داده‌اند که پیامدهای ناشی از آن را با گذراندن زندگی بی‌روح و سرد و ساکت، بغض و حسرت‌های شبانه‌روزی خود تحمل می‌کنند. فاطمه یکی از مشارکت‌کنندگان است که ۳۷ سال سن دارد، ۱۸ سال از زندگی مشترکش می‌گذرد، او اظهار می‌کند به خاطر نجات یافتن از سخت‌گیری‌های خانواده، خود را در تله‌ای از مشکلات گرفتار کرده است:

«...خونواده من بی‌جهت سختگیر بودند، نمیداشتن هیچ کاری بکنم اونا

حتی اجازه نمی‌دادن با دخترای هم‌کلاسیم جایی برم تا مدرسه هم دنبالم می‌کردن... هیچ تفریحی نداشتم، خونه کسی نمی‌رفتم تو خونه زندونی بودم، تنها سرگرمی من یه تلویزیون بود اونم محدود می‌کردن؛ می‌گفتن فیلمای تلویزیون از راه به درم میکنه... وقتی واسم خواستگار اومد خیلی خوشحال شدم که بالاخره نجات پیدا می‌کنم، به هیچ چیزی کاری نداشتم، نه تیپ و قیافش برام مهم بود، نه پول و ثروتش، فقط می‌خواستم راهی باشه از این زندون فرارکنم که گرفتار یه زندون دیگه شدم...»

فشار هنجاری: در گفتگوهای انجام شده تقریباً تعداد زیادی از مشارکت‌کنندگان، به تأثیر محیط و فضای فرهنگی حاکم بر آن در القای نگرش کلیشه‌ای داشتن در امر ازدواج اذعان می‌کردند. جو محیطی و زیست مکانی هر فرد می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در همه جوانب زندگی یک فرد داشته باشد. مقایسه کلیشه‌ای یکی از مفاهیمی است که برخی از مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که فضای فکری و فرهنگی محیط زندگی آنها باعث به وجود آمدن آن شده است. منیره خانمی ۲۷ ساله و دارای تحصیلات کارشناسی در این زمینه می‌گوید:

«... تو سن ۲۲ سالگی ازدواج کردم، هرچند قصد داشتم تا تحصیلاتم تموم نشه، ازدواج نکنم... اون موقع یادمه تنها کسی که از بچه‌های دوران دبیرستان ازدواج نکرده بود من بودم، تو دانشگاه هم هر چی دور و برمو نیگاه کردم دیدم همه یا شوهردارند، یا بچه‌دارند یا نامزدند، بعضیا بچه‌شون کلاس اول می‌رفت... انگار به خودم اومدم تصمیمو واسه ازدواج جدی گرفتم، احساس خوبی نداشتم وقتی می‌دیدم همه ازدواج کردن جزء من...»



جدول ۳: مقوله‌ها و مفاهیم مستخرج از داده‌ها مرتبط با سنخ شناسی ازدواج پرمخاطره

مفاهیم	مقوله
فاصله طبقاتی، تفاوت در سطح تحصیلات، تفاوت در محل سکونت، تفاوت شخصیتی، تضاد رفتاری، تفاوت اعتقادی- فرهنگی	ازدواج ناهمسان
تعصب، دلسوزی، زودباوری، تصمیم احساسی، جاذبه، دلسوزی	ازدواج احساسی
دوستی‌های خیابانی، آشنایی مخفیانه، ازدواج بدون اطلاع والدین	ازدواج پنهانی
ازدواج به خاطر بالا رفتن سن، ازدواج به خاطر یافتن تکیه‌گاه، نگرانی، دغدغه، فرار از خانواده، فرار از شرایط، تنهایی، ترس از بی‌سرپناهی	ازدواج بحران‌گریز
عدم مشورت در ازدواج، خودرأی بودن در تصمیم‌گیری برای ازدواج	ازدواج خودمحور
اعتماد بدون تحقیق، عدم گفتگو، عدم شناخت، ازدواج واسطه‌ای، نداشتن دوره نامزدی، نداشتن رابطه خانوادگی، دوره نامزدی کوتاه‌مدت، جدی نگرفتن تحقیق قبل از ازدواج	ازدواج بدون شناخت
عدم استقلال فکری، تهدید، اصرار، ازدواج عرفی، بی‌علاقگی، ایده‌آل نبودن، مخالفت و نارضایتی خانواده، دخالت خانواده، عدم مشورت با خود فرد، لجبازی	ازدواج تحمیلی
مصلحت‌اندیشی، ناراحتی اقوام	ازدواج مصلحتی

در جدول بالا انواع ازدواج پرمخاطره آمده است. بسیاری از افراد نمونه در واقع کسانی بودند که بنا بر گفته‌های خودشان در ازدواج و انتخاب همسر ریسک کرده بودند؛ بعضی از مشارکت‌کنندگان ریسک ناهمسان همسری را پذیرفته بودند، برخی از آنها چشم به روی واقعیت‌های مثل فاصله طبقاتی با خانواده همسر، اختلاف سنی، اختلاف تحصیلی و تفاوت در محل سکونت بسته و بدون توجه به تفاوت‌های گفته‌شده یا سهل‌انگاری در این زمینه اقدام به ازدواج کرده بودند. تعدادی از مشارکت‌کنندگان نیز تن به ازدواجی احساسی، پنهانی یا تحمیلی داده بودند. در میان افراد نمونه کسانی نیز بودند که شرایط اجتماعی، اقتصادی و اوضاع خانوادگی، آن‌ها را مجبور به ازدواجی بحران‌گریز کرده بود. در زیر هر یک از مقوله‌های به‌دست آمده از متن مصاحبه‌ها تحلیل می‌شود.

ازدواج ناهمسان: هرچند در زندگی زناشویی وجود میزانی از ناهمسانی، تفاوت‌ها و تمایزات

فردی، طبیعی و گریزناپذیر است، ولی هنگامی که ناهمسانی در زمینه‌های اساسی مانند طبقه اجتماعی، تحصیلات، محل سکونت و... وجود داشته باشد، زندگی زوجین را دچار تنش، تعارض و عدم تفاهم اساسی می‌کند که ممکن است زوجین را تا مرز طلاق پیش ببرد؛ همچنین در بسیاری از موارد باعث ازهم گسیختگی خانواده می‌شود. زهرا ۲۳ ساله یکی از مشارکت‌کنندگان است، تجربه ۴ سال زندگی مشترک دارد و هم‌اکنون در خانه پدری خود زندگی می‌کند؛ منتظر است که رأی دادگاه برای طلاق به نفع او صادر شود، او در صحبت‌هایش از فاصله طبقاتی بین خانواده پدری خود و همسرش سخن به میان می‌آورد:

«...از لحاظ مادی و اقتصادی خیلی باهم متفاوت بودیم، اونا میلیاردی بودن و ما به خانواده معمولی، اولاش مشکلی نداشتیم، ولی بعداً خواهرشوهرام همش ثروتمون رو به رخ ما می‌کشیدند، اونا فک می‌کردند چون ما از لحاظ مالی فقیر بودیم دیگه نمی‌تونیم در رابطه با موضوعات مختلف نظر بدیم یا اگر حرفی می‌زدیم که موردپسند اونا نبود با کنایه می‌فهموندند ما نقد فقیر بوده‌ایم و به قول خودشون در فکر سیر کردن شکممون بودیم از دنیا عقبیم و نمی‌دونیم تو دور و اطرافمون چی می‌گذره...»

تحلیل قسمتی از مصاحبه‌ها با افراد مورد مطالعه نشان داد که اختلافات اعتقادی- فرهنگی زمینه‌ساز خیلی از مشکلات در زندگی زناشویی است. اعتقادات بخش مهمی از فرهنگ و ذهنیت یک فرد را تشکیل می‌دهند که از شیوه زندگی و فعالیت‌های روزمره تا تربیت فرزندان و نوع روابط و... را تحت تأثیر قرار می‌دهند. شاید بتوان گفت تناسب اعتقادی در ازدواج اولین و مهم‌ترین عامل تفاهم و یک اصل جدی است که به هیچ وجه نباید آن را نادیده گرفت. فرهنگ دارای حوزه گسترده‌ای است، دین و مذهب، آداب و رسوم، لباس پوشیدن و آراستن ظاهر، اعتقادات و باورها، زبان، اعتقادات سیاسی و اجتماعی و... را شامل می‌شود. عدم همسانی زوجین در هر کدام از این موارد می‌تواند در زندگی زناشویی منشأ ناسازگاری و اختلاف شود. به‌عنوان مثال افسانه ۳۶ ساله، با ظاهری ساده و باحجاب و پوشش کامل به طوری که فقط قسمتی از صورت او معلوم است و با لحنی آرام حرف می‌زند درباره تفاوت اعتقادی خود با همسرش می‌گوید:



«...خانواده من شدیداً مذهبی هستند. پدرم مسجدی و خیلی رو اعتقاداتش حساسه. دو تا از برادرانم هم تحصیلات حوزوی دارند خودم هم بی اعتقاد نیستم بالاخره تو یه خانواده مذهبی بزرگ شدم تا اندازه ای رو اعتقاداتم حساسم... ولی همسر من میگه من اصلاً مسلمان نیستم، خدا رو هم قبول ندارم، باهاش مشکل جدی پیدا کردم...»

ازدواج احساسی: در بین مشارکت کنندگان افرادی بودند که اظهار می کردند از روی ترحم و دلسوزی، یا از روی جذابیت های طرف مقابل یا اینکه به دلیل زودباوری، فرد خواستار ازدواج با خود را به عنوان همسر پذیرفته اند. این افراد در حال حاضر از تصمیم خود اظهار پشیمانی و نارضایتی می کردند. شاید یکی از مشارکت کنندگان است که تحت تأثیر احساسات و از سر دلسوزی با محمد که هم اکنون همسر او است، ازدواج کرده است. او در حال حاضر از زندگی خود اظهار رضایت نمی کند:

«...درست چهارده سالم بود که پسر عمم ازم خواستگاری کرد، ادعای عاشقی می کرد جواب رد دادم... خلاصه گذشت تا ۱۶ سالم شد نگاهها و رفتار و محبتای محمد که نسبت به من داشت، منو که یه دختر احساساتی و کم تجربه بودم تحت تأثیر قرار می داد، راستش توی دلم بهش وابستگی پیدا کرده بودم از طرفی هم دوست نداشتم دلشو بشکنم. من نمیگم عاشقش شده بودم، ولی هرکسی جای من بود این همه عشق روش تأثیر می داشت... خلاصه یه روز اشکاشو دیدم که به خاطر من می ریخت اون روز تصمیم گرفتم هر جوری شده خونادمو راضی کنم و بالاخره باهاش ازدواج کردم...»

ازدواج پنهانی: با سؤال درباره نحوه آشنایی زوجین از مشارکت کنندگان، تعداد بسیار کمی از آنها ادعا می کردند که ازدواجشان نتیجه دوستی های خیابانی یا آشنایی های یواشکی بوده یا اینکه بدون اطلاع والدین یا در غیاب و نبود یکی از آنها اقدام به ازدواج کرده اند. در ادامه اظهارات یکی از مشارکت کنندگان که خیلی تأکید داشت هیچ یک از اطلاعات هویتی او در تحقیق آورده نشود، در ارتباط با مقوله مذکور آمده است:

«...خیلی ادعای دوس داشتن و عاشقی می کرد. می گفت حاضر به

خاطر م ۱۰۰ سال صبر کنه فقط یه روز شده تو ته جهنم باهم زندگی کنیم...خیلی زود خودشو تو دلم جا کرد... می دونستم خونوادم قبول نمی کنن که باهاش ازدواج کنم واسه همین تصمیم گرفتم که فرار کنم و هر جور شده باهاش باشم... مدتی باهاش بودم، یه روز یکی اومد دم در گفت باید همین الان از اینجا برید، ما نه جای خواب داشتیم نه می تونستیم شکم خودمونو سیر کنیم اونم که پسر بی سر وپایی بود نه معلوم بود باباش کیه نه مامانش، خلاصه با هزار ترس و لرز اومدم خونه... دیگه کاری از دست کسی بر نمی اومد جز اینکه به خاطر آبروی خودشونم شده ما رو بیرن محضر...»

ازدواج بحران گریز: ازدواج بحران گریز یکی از انواع ازدواج پرمخاطره است که شماری از افراد موردمطالعه آن را تجربه کرده بودند. شاید بتوان گفت هرکدام از افراد در هر جای این دنیای پر از مخاطره، نگرانی و بیم و شک و تردید و البته پر از فرصت، امید، حقیقت و یقین در زندگی خود به نوعی بحران را تجربه کرده باشند. نحوه واکنش افراد در مواجهه با بحران های کوچک و بزرگ زندگی متفاوت است، بعضی از افراد در مواجهه با یک بحران سعی کنند آن را به یک روش منطقی برای خود حل کنند، یا آنکه حتی آن را به فرصت تبدیل کنند، برخی دیگر در مواجهه با یک بحران ممکن است برای کنترل و مدیریت آن تلاش نکنند و برای رهایی از وضعیت پیش آمده، خود را درگیر بحرانی بزرگتر کنند. مثلاً فردی که به خاطر بالا رفتن سن یا فرار از تنهایی یا یافتن تکیه گاه، با این تفکر که می تواند خود را از مهلکه های مذکور با ازدواجی اضطراری نجات دهد، خود را با بحرانی بزرگتر مواجهه کرده است، زیرا تجربه مشارکت کنندگان نشان داده است عمر این نوع ازدواج ها کوتاه است و در صورت دوام چنین ازدواج هایی ممکن است فرد به دلیل تعجیل و نوع تفکر گریزمندانه که بر ذهن او حاکم بوده است، همه جوانب را در نظر نگرفته باشد، یا شرایطی را پذیرفته باشد که در آینده به تحمل آن قادر نباشد. این نکته را نیز باید اضافه کرد که ازدواج های گریزناپذیر همیشه نتیجه سهل انگاری افراد در تصمیم گیری نیستند، بلکه در بعضی از موارد فرد ناگزیر از چنین ازدواج هایی است؛ زیرا شرایط به گونه ای است که فرد گزینه ای بهتر از تجربه کردن یک ازدواج ناموفق نمی بینند. در ادامه به عنوان شاهد مثال اظهارات یکی از مشارکت کنندگان که



اقدام به ازدواجی بحران‌گریز کرده بود، آمده است:

«...دست روزگار باعث شد هر چی بلا و بدبختیه واسه ما پیش بیاد، پدرم از دنیا رفته بود، مادرم هم پاش لب گور بود، هر شب که می‌خوابیدم با ترس و لرز می‌خوابیدم می‌گفتم نکنه فردا که پا میشم دیگه نباشه، هر شب دو سه بار از خواب بیدار می‌شدم و بهش نگاه می‌کردم، بینم نبضش میزنه یانه آگه مامانم می‌مرد و من ازدواج نکرده بودم وضع بدتر از این می‌شد همون موقع هم آدمای مریضی بودن که وقتی شرایط منو می‌فهمیدن، مزاحم می‌شدن... باکسی ازدواج کردم که می‌گفت فقط سیگار میکشه، کار درست درمونی هم نداشت، ولی مجبور بودم باهاش ازدواج کنم، گفتم هر چی باشه سایه یه مرد بالا

سر مه...»

ازدواج خودمحور: تعدادی از افراد نمونه پژوهش یکی از دلایل ناموفق بودن در زندگی زناشویی خود را خودسرانه عمل کردن و خودمحوری در انتخاب همسر می‌دانستند. با استناد به تجربه مشارکت‌کنندگان می‌توان گفت، هرچند که انتخاب همسر امری شخصی و فردی برای هرکسی است، ولی هنگامی که افراد در این انتخاب از راهنمایی‌ها و مشورت‌های دیگران بهره بگیرند و به نوعی با یک عقل جمعی دست به انتخاب بزنند، بدون تردید نتیجه بهتری حاصل می‌شود. ویدا یکی از مشارکت‌کنندگان است که هم‌اکنون زندگی ناموفقی را تجربه می‌کند؛ او از اینکه از همفکری دیگران در انتخاب همسر خود را محروم کرده است، اظهار پشیمانی می‌کند:

«... اون موقع اجازه حرف زدن و راهنمایی به هیشکی ندادم، می‌خواستم به هر قیمتی شده پسری که تقریباً ۲ سال باهاش بودم رو به دست بیارم... پشیمونم خیلی پشیمون... وقتی بهش میگم اون موقع که می‌گفتی عاشقمی، چی شد الان اون ادعاهات؟ میگه: حالا فهمیدم اون هوس بوده، من فقط از اندامت خوشم اومده بود، خیلی تو چشم

بودی...»

ازدواج بدون شناخت: ازدواج بدون شناخت از جمله مقوله‌هایی است که تعداد زیادی از افراد

نمونه آن را زمینه به وجود آورنده وضعیت فعلی خود می‌دانستند. شناخت و آگاهی در هر زمینه‌ای از عوامل مهم موفقیت هستند. تناسب و هماهنگی فکری و فرهنگی در بحث ازدواج از نقاط پراهمیت در ازدواج است. در ازدواج‌هایی که در بین مشارکت‌کنندگان اتفاق افتاده بود شناخت آن‌ها از فرد خواستار ازدواج با خود در ابتدای امر ازدواج خیلی مختصر و اندک بود. بیشتر به این صورت بود که شناخت آن‌ها از ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری هم در همان جلسه خواستگاری اتفاق افتاده و در حداکثر یک ساعت خلاصه شده بود و اگر موافقت از دو طرف حاصل شده بود خانواده‌ها بلافاصله قرارهای بعدی نامزدی، عقد و ازدواج را باهم بسته بودند. با توجه به گفتگوهای انجام شده شناخت برای زوجین در هنگام خواستگاری در این حد بوده است که بیشتر از ویژگی‌های ظاهری و تقریباً آشکار هم باخبر شده‌اند. در ادامه به نمونه‌ای از گفته‌های مشارکت‌کنندگان در رابطه با عدم شناخت اشاره شده است:

«... پسر دوست بابام بود جالب اینه که تا مراسم خواستگاری هیچکدوم از خانواده ما اونو ندیده بود و نمی‌شناخت حتی خود پدرم... پدرش از دوستای دوره سربازی بابام بود... اتفاقی ۲ سال قبل از ازدواج من دوباره همو دیده بودند و وقتی اومد خونمون منو دید، منو واسه پسرش خواستگاری کرده بود و بابام اوکی گفته بود و بعد ما رو هم در جریان گذاشت...»

ازدواج تحمیلی: برخی از مشارکت‌کنندگان در جریان گفتگوهای تعاملی اظهار می‌کردند که با اراده و رضایت خود ازدواج نکرده‌اند، بلکه خانواده یا شرایط اجتماعی آن‌ها را وادار به ازدواج کرده است. با توجه به اظهارات مشارکت‌کنندگان، هنوز خانواده‌هایی هستند که اراده و قدرت اختیار و انتخاب فرزند خود را نادیده می‌گیرند، این خانواده‌ها ممکن است برای آنکه نظر خود را تبدیل به عمل کنند از فشار جسمی و روانی استفاده کنند مثلاً اینکه او را کتک بزنند، حبس کنند یا از یک سری امتیازها مثل حق ادامه تحصیل، ارتباط با دوستان و... وی را محروم کنند. در بعضی مواقع نیز ممکن است فشار اجتماع فرد را مجبور به ازدواج کند. بی‌تردید شرط موفقیت یک ازدواج، علاقه و رضایت قلبی طرفین است هنگامی که این شرط در ازدواج صورت نپذیرد، مسلماً این نوع ازدواج آسیب‌زا و زیان‌آور است. در این صورت روابط عاطفی میان زوجین با چالش روبه‌رو می‌شود. طلاق عاطفی، سوءظن، خشونت، خیانت



و... از عواقب و پیامدهای این نوع ازدواج می‌تواند باشد. به عنوان مثال، خانمی ۵۵ ساله از مشارکت‌کنندگان که در ۱۸ سالگی به‌رغم مخالفتش او را به عقد مردی درآورده‌اند که به او علاقه‌ای نداشته است، می‌گوید:

«... من خیلی بچه بودم داشتم درسمو می‌خوندم، دوس داشتم ادامه تحصیل بدم که نداشتم، گفتن دختر باید شوهر کنه، با درس خوندن چه گلی می‌خوای به سر خودت بزنی... گفتم من از این پسر خوشم نمیداد چشم چروونه... بابام خیلی تأییدش می‌کرد می‌گفت پسر خوبی، کاریه... هر چی گریه کردم، التماس کردم فایده‌ای نداشت، به‌زور منو پای سفره عقد نشوندن...»

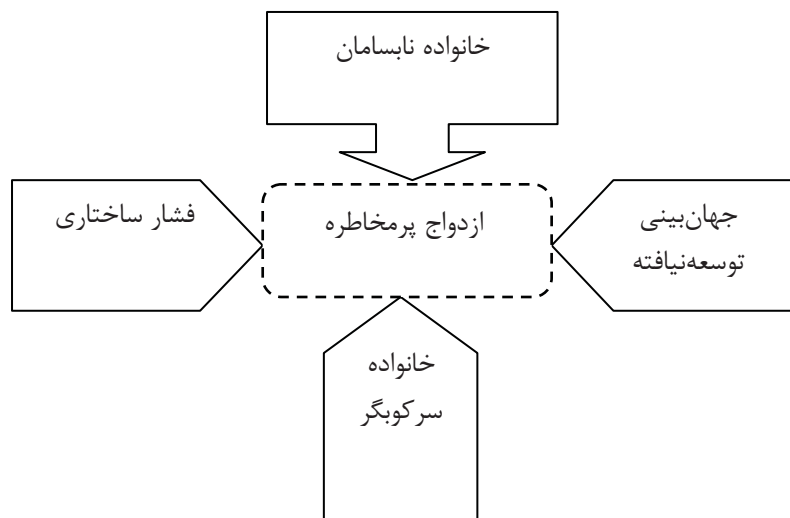
ازدواج مصلحتی: یکی دیگر از انواع ازدواج مخاطره‌آمیز ازدواج مصلحتی است که برخی از مشارکت‌کنندگان آن را تجربه کرده بودند، بعضی از آنها اظهار می‌کردند در جوّ خویشاوندی و فرهنگ آنها معمولاً رسم این است که افراد از بین خویشاوندان خود همسر انتخاب می‌کنند؛ این ازدواج‌ها باعث نزدیکی و صمیمیت بیشتر فامیل می‌شود و در صورتی که فرد بنا به دلایلی از چنین ازدواج‌هایی سر باز بزند، بین بستگان ناراحتی و کدورت پیش می‌آید. در واقع افراد به خاطر مصلحت‌های اجتماعی این ازدواج را پذیرفته بودند. به‌عنوان مثال یکی از مشارکت‌کنندگان که هم‌اکنون فردی ۳۰ ساله است و تحصیلات کارشناسی دارد، در سن ۲۴ سالگی ازدواج کرده است، خود را قربانی خواسته‌ای دیگران می‌داند:

«... یادمه اون موقع که او مدن خواستگاری، گفتم عمراً بتونم با این پسر ازدواج کنم، ازش خوشم نمی‌اومد، تو دلم جا نمی‌شد... اصلاً نظر من و احساساتم واسه خونوادم مهم نبود اونا فقط میخواستن داییم ازشون ناراحت نشن حتی به قیمت بدبختی من... منو مث یه تحفه پیشکش کردن که کسی ناراحت نشه...»

بحث و نتیجه‌گیری

ازدواج یکی از پاسخ‌های معقول و مشروع به نیازجنسی، عاطفی و روحی-روانی در وجود انسان است. ازدواج در هر قالبی که صورت پذیرد، مستعد فرصت‌آفرینی و تهدیدآفرینی است؛

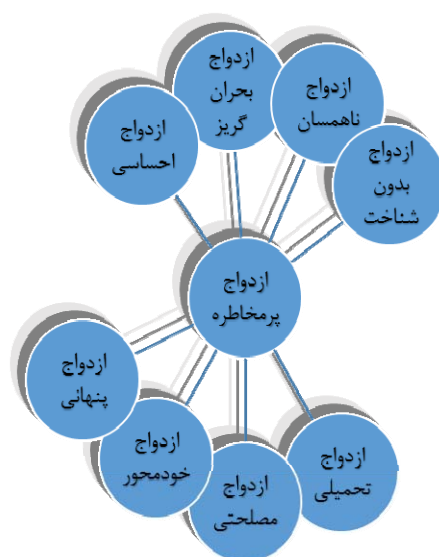
بنابراین، مرحله انتخاب و همسرگزینی یکی از مراحل مهم و حساس در زندگی هرفردی می‌تواند باشد، زیرا احساس خوشبختی یا بدبختی در زندگی مشترک، در گرو همین انتخاب است. بر اساس اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌های تعاملی با زنان مشارکت‌کننده در پژوهش یک سری عوامل و زمینه‌ها انتخاب فرد را برای ازدواجی موفق با مشکل و محدودیت مواجه می‌کند و زمینه ازدواج مخاطره‌آمیز را به وجود می‌آورد. این نوع از ازدواج با خطر شکست و فروپاشی زندگی مشترک همراه است. با استناد به داده‌های پژوهش، بخش اعظم زمینه‌های شکل‌گیری خطا در انتخاب همسر و ازدواج پرخطر، به خانواده برمی‌گردد. همچنین زیست مکان فرد نقش مهمی در نحوه تصمیم‌گیری و اقدام یک فرد به ازدواجی با مخاطره بالا دارد. در بعضی از موارد یک خانواده ممکن است سلايق خود را بر فرد تحمیل کند و به نوعی آزادی او را در انتخاب همسر بگیرد؛ تعداد قابل‌توجهی از افراد مورد مطالعه معتقد به سرکوبگری خانواده مخصوصاً در امر ازدواج خود بودند. آن‌ها اظهار می‌کردند مجبور به انتخاب بوده‌اند یا اینکه در انتخابشان خانواده نهایت کنترل و نظارت را به عمل آورده و خواسته‌های آن‌ها توسط خانواده نادیده گرفته شده و با آن‌ها مقابله شده است. با توجه به فضای فرهنگی خاص حاکم بر جامعه مورد مطالعه و استناد به اظهارات خود افراد می‌توان گفت بسیاری از خانواده‌ها بنا بر عرف جامعه و ترس از تهمت و برچسب ناروا و قضاوت‌های اطرافیان، روابط دختر و پسر خود را در این دوران محدود و کنترل می‌کنند. برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان هنگام انتخاب همسر، از عدم تفاهم بین خود و همسرشان آگاهی داشته‌اند و متوجه اختلاف سلیقه و اختلاف عقیده در بعضی از حیطه‌های مهم زندگی با هم بوده‌اند؛ ولی بنا بر نوعی نگرش و تحت تأثیر کلیشه‌های فرهنگی و مقایسه‌های کلیشه‌ای، با سهل‌انگاری زندگی اکنون خود را به خطر انداخته‌اند و به نوعی ازدواج پرمخاطره مبادرت کرده‌اند.



شکل ۱: مدل زمینه‌ای ازدواج پرمخاطره

در میان مشارکت‌کنندگان، کسانی که به خاطر فقر و رهایی از وضعیت نابسامان خانواده خود با خانواده‌ای ناهمسان ازدواج کرده بودند، مشکلات عدیده‌ی را تحمل می‌کردند؛ از جمله اینکه در خانواده جدید، به خاطر سبک زندگی متفاوت قادر به بروز قابلیت و توانمندی‌های خود در نقش یک همسر خوب و ایده‌آل نبودند. به این دلیل که در این نوع ازدواج‌ها، ذائقه خانواده‌ها در موارد مختلف از جمله نوع تفریح، نوع پوشش، نوع سخن گفتن و... با هم سازگار نیست. بنابراین، زوجین قادر به فهمیدن زبان هم نیستند و به خاطر انتظارات و هنجارها و ارزش‌های متفاوت دچار مشکلات اساسی می‌شوند. زندگی در خانواده نابسامان یکی دیگر از موارد زمینه‌ساز ازدواج پرمخاطره است؛ طلاق والدین، تأخیر در ازدواج، سالخوردگی والدین، فقر فرهنگی و اقتصادی، سختگیری خانواده و... باعث اضطراب، سردرگمی، ناراحتی و احساس تنهایی و به نوعی ایجاد شرایط بحرانی در افراد درگیر این مسائل و مشکلات می‌شود و در بسیاری از موارد ازدواج‌های گریزناپذیر را سبب می‌شود که یکی از انواع ازدواج‌های پرمخاطره است. ازدواج بحران‌گریز در واقع حاصل تعامل شرایط بحرانی، خانواده نابسامان و عقلانیت بحران محور است. با این اوصاف، شاید بتوان گفت ازدواج مخاطره‌آمیز نوعی

عاملیت مخرب ناشی از شرایط نابسامان است؛ به این معنا که کنشگر برای سازگاری و گاهی رهایی از شرایطی که در آن قرار دارد، اقدام به کنش ازدواج می‌کند که نهایتاً چشم‌انداز روشنی از آن وجود ندارد.



شکل ۲: مدل سنخ‌شناسی ازدواج پرمخاطره

یکی از انواع ازدواج پرمخاطره که بر اساس تجربه برخی از افراد مورد مطالعه حاصل شد، ازدواج بدون شناخت است. بعضی از افراد بدون اینکه از نگرش، طرز تفکر، چگونگی الگوی فکری، فرهنگی و اعتقادی، ویژگی‌های برساخته یا ذاتی مختص جنس مخالف، اولویت‌های طرف مقابل در مسیر زندگی و... آگاهی پیدا کنند، اقدام به ازدواج می‌کنند و زندگی آینده خود را با تهدید مواجه می‌کنند. سختگیری خانواده، تعصب و کلیشه‌های فرهنگی، نادیده گرفتن اهمیت تحقیق را می‌توان عواملی مانع‌ساز در این رابطه در جامعه مورد مطالعه دانست. در پژوهش حاضر ابعادی از ازدواج پرمخاطره بر اساس تجربه مشارکت‌کنندگان حاصل شد که در مدل بالا نمایش داده شده است. فرایند تجزیه و تحلیل به صورت هم‌زمان و مستمر با جمع‌آوری داده‌ها انجام شد. ضبط مصاحبه‌ها با رضایت مشارکت‌کنندگان انجام شد. قبل از



انجام مصاحبه درباره موضوع، هدف تحقیق، روند کار، رعایت اصول اخلاقی و... با افراد نمونه توضیحاتی داده شد.

از نظر بیکر افراد زمانی تصمیم به ازدواج می‌گیرند که باور کنند در صورت ازدواج کردن، منافع آن‌ها بیش از زمان مجردی است (مک کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰: ۵۹۱). نگاه بیکر درباره بیشتر افرادی که در این تحقیق با آن‌ها مصاحبه شده است، قابل دفاع است، اما نباید فراموش کرد که سوژه‌های اجتماعی، موجوداتی تماماً عقلایی نیستند و به فراخور اوضاع ذهنی و عینی خویش ممکن است به کنش‌های عاطفی و غیرعقلانی دست بزنند. از سویی، عقلانی خواندن کنش باید با حدی از وسواس و دقت نظر همراه باشد، چراکه از نظر وبر کنش عقلانی کنشی است که فاعل آن، به اثر فعل خود و پیامدهای آن آگاه باشد (کرایب، ۱۳۸۲: ۱۰۰).

بر اساس یافته‌ها می‌توان گفت در برخی موارد مانند ازدواج‌هایی بحران‌گریز و تحمیلی میزان اراده افراد به میزان فشارهایی بستگی دارد که ساختارها و عوامل محیطی به آن‌ها وارد می‌آورد. همچنین زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی سوژه‌های مورد مطالعه بر نحوه و چگونگی تصمیم‌گیری آن‌ها برای ازدواج تأثیر جالب‌توجهی دارد؛ به طوری که برخی از افراد اقدام به ازدواج را به عنوان فرصت عملی می‌دانند که آن‌ها را از فشارهای مستمر در خانواده می‌رهاند، هر چند ممکن است به این امر آگاهی داشته باشند که در آینده با مشکلات دیگری مواجه خواهند شد.

پیشنهادات و راهکارها

- پیشنهاد می‌شود کارگاه‌های آموزشی قبل از ازدواج برای افراد برگزار شود که افراد را از عواقب ازدواج‌های مخاطره‌آمیز آگاه کند.

- ایجاد مراکز مشاوره رایگان و اجباری قبل از ازدواج برای همه افرادی که در آستانه ازدواج هستند.

- ایجاد کارگاه‌های آموزشی برای خانواده‌ها، به منظور آشنا کردن آن‌ها با نیازهای جوانان امروزی، همچنین آگاه کردن آن‌ها از مخاطرات ازدواج‌های تحمیلی، مخاطره‌دخالت در زندگی مشترک فرزندان خود.

- پرهیز خانواده‌ها از ازدواج‌های سرسری و نسنجیده و ازدواج‌های تحمیلی برای فرزندان

خود

- ترویج فرهنگ همسان‌گزینی و تأکید بر لزوم آشنایی و شناخت خصوصیات و ویژگی‌های اخلاقی، رفتاری زوجین قبل از ازدواج
- توسعه و تقویت ارائه خدمات خاص به خانواده‌های آسیب‌پذیر جامعه
- کاهش و کنترل آسیب‌های اجتماعی تهدیدکننده نهاد خانواده خاصه اعتیاد، بیکاری، فقر، خشونت و ... در سطح جامعه.



منابع

- اصغری، آرزو و رفیعی‌نیا، پروین (۱۳۸۵). عوامل پیش‌بینی‌کننده ازدواج ناموفق از دیدگاه دانشجویان متأهل، خلاصه مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده.
- آزاد ارمکی، تقی، مهناز زند و طاهره خزاعی (۱۳۷۹). بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی، *مجله علوم اجتماعی*، تهران: دانشگاه تهران، ۸، شماره پیاپی ۱۶: ۲۹-۳.
- اولیاء، نرگس (۱۳۸۸). *آموزش غنی‌سازی زندگی زن‌شویی*، تهران: دانش، چاپ اول.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۳). *تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۵). *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*، تهران: نی.
- رضاخانی، سیمین دخت؛ نوری قاسم‌آبادی، ربابه و جان‌بخش، مژگان (۱۳۸۹). رابطه کمال‌گرایی با باورها و انگیزه‌های ازدواج در دانشجویان دانشگاه تهران، *زن و مطالعات خانواده*، ۳(۱۰): ۷۳-۶۱.
- ریترز، جورج (۱۳۷۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. ترجمه مهدوی و همکاران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش.
- صادقی، رسول (۱۳۸۵). نگرش و ایده آل‌های جوانان ایرانی در زمینه ازدواج و تشکیل خانواده، دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، دانشگاه شهید بهشتی.
- فتحی آشتیانی، علی و احمدی، خدابخش (۱۳۸۳). بررسی ازدواج‌های موفق و ناموفق در بین دانشجویان، *دوماهنامه علمی-پژوهشی دانشور رفتار*، دانشگاه شاهد، ۱۱ (۷): ۱۶-۹.
- کرایب، یان (۱۳۸۲). *نظریه اجتماعی کلاسیک*، ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران: آگه.
- مهرگان، لوزا (۱۳۸۶). بررسی انگیزه‌های ازدواج و عوامل مؤثر بر آن در میان دختران ۱۸-۳۴

- ساله، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری، دانشگاه الزهراء (س).
- میشل، آندره (۱۳۵۴). جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: دانشکده علوم اجتماعی.
- میرباقری، سیده زهرا، ابراهیمی، مرضیه (۱۳۹۲). بررسی میزان هنجارشکنی ازدواج و علل مؤثر بر آن، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۳(۲): ۳۳۹-۳۵۷.
- مولوی، حسین (۱۳۸۱). شناسایی عوامل خطر و پیش‌بینی احتمال ناسازگاری در ازدواج، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، ۱۲(۴۲): ۱۸۹-۲۰۸.
- نظری، علی محمد؛ صاحب‌دل، حسین و اسدی، مسعود (۱۳۸۹). بررسی ارتباط بین سبک‌های دل‌بستگی و میزان بی‌ثباتی ازدواج در زنان و مردان متأهل، زن و مطالعات خانواده، ۲(۸): ۱۱۵-۱۲۵.
- Asghari, A. & Rafieinia, P. (2007). Predictors of Unsuccessful marriage from University student view of point, 2nd congress of Family Pathology in Iran. Tehran: Shahid Beheshti University, Family Research Center.
- Azad Armaki, T., Zand, m. & Khazaei, T. (2001). Social and cultural changes in three generations of families in Terhan, *Journal of Social Sciences*. 8(1): 3-29.
- Chalabi, M. (2007). *Social Analysis in Action Sphere*. Tehran: Ney Publication.
- Craib, I. (2004). *Classic Social Theory*. Translated to Persian by Shahnaz Mosammaparast, Tehran: Agah Publication.
- Corbin, J. & Strauss, A. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications.
- Inglehart, R. (2000). Globalization and Postmodern Values. *The Washington Quarterly*, 23(1): 215-222.
- Fathi Ashtiani, A. & Khodabakhsh, A. (2005). Investigation of successful and unsuccessful marriage among students, *Journal of Danesh va Raftar*. 11(7): 9-16.
- Engelhard, D. (2005). *Cultural Evolutions in Industrial Societies*. Translated in Persian by Maryam Vatar, Tehran: Kavir Publication.
- Glaser, B. & Strauss. A. (1967). *Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*. New York: Aldine De Gruyter.
- Gonzalez, L. & et al. (2009). The Effect of Divorce Laws on Divorce Rates in Europe, *European Economic Review*, 53 (2): 127-38.
- Jose, A. & O'leary, K. D., Moyer & A. (2010). Does Premarital Cohabitation Predict Subsequent Marital Stability and Marital Quality? A Meta-Analysis, *Journal of*



- Marriage & Family*, 72(1): 105-116.
- Hall, D. R. & Zhao, J. Z. (1995). Cohabitation and Divorce in Canada: Testing the Selectivity Hypothesis, *Journal of Marriage & Family*, 57 (2): 421-427.
- Mehregan, L. (2008). *Investigation of marriage and affecting factors among 18-34 years old girls*, M.A. Thesis in social research, Tehran: Alzahra University.
- Michael, A. (1976). *Sociology of Family and Marriage*. Translated in Persian by Farangis Ardalan, Teharan: Faculty of Social Sciences.
- Mirbagheri, S. Z., Ebrahimi, M. (2014). Deviation from the norms of marriage and affecting factors, *Journal of Culture in the Islamic University*, 3(2): 339-357.
- Moulavi, H. (2003). Investigation of risk factors and prediction of marriage unadjustment, *Alzahra University Journal of Humanities*, 12(42): 189-208.
- Nazari, A. M., Sahebdel, H. & Asadi, M. (2011). Relationship between attachment and marriage instability among married men and women, *Journal of Woman and Family Studies*, 2(8): 128-115.
- Nguyen Hun, M. (1997). Age at first marriage Vietnam: Patterns and determinants. *Asia-Pacific Population Journal*, 19(2): 49-74.
- Owlia, N. (2010). *Learning of Marital Life Enrichment*. Tehran: Danjeh Publication.
- Rezakhani, S., Nouri Ghasemabadi, R. & Janbakhsh, M. (2011). Relationship of perfectionism and marriage beliefs and motivation among Students of Tehran University. *Journal of Woman and Family Studies*, 3(10): 73-61.
- Ritzer, G. (1996). *Sociological Theory*, Translated in Persian by Mahdavi et al., Tehran: Shahid Beheshti University Publication.
- Sadeghi, R. (2007). Attitudes and ideals of marriage and Family among Iranian Youth, *2nd congress of Family Pthology in Iran*. Tehran: Shahid Beheshti University, Family Research Center.
- Saroukhani, B. (1992). *Introduction to Sociology of Family*. Teharan: Soroush.
- Salts, C. J., Seismore, M. D., Lindhalm, B. W. & Smith, T. A. (1994). Attitude To ward Marriage and Premarital Sexual Activity of College Freshman, *Journal of Adolescence*, 29(116): 775-769.

نویسندگان

hafrasiabi@yazd.ac.ir

حسین افراسیابی

استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

r.dehghanid87@yahoo.com

رقیه دهقانی دارامرود

دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد



A Qualitative Study on Risky Marriage among Female Divorce Applicants in Yazd City

Hosein Afrasiabi¹
Roghie Dehghani Daramroud²

Abstract

Marriage is an important personal life experience and has a crucial role in society. Therefore, risky marriage can create many problems in personal and social life. Risky marriage can become an important issue in social studies about family. Risky marriage is a precondition for divorce and marital non-satisfaction. The aim of this study was to explore the risky marriage contexts and dimensions through women experiences. The research is conducted in qualitative research approach and grounded theory is used as research method. Participants included 33 women that experienced risky marriage and are in process of divorce. The research sample was selected by purposeful sampling method and research data was gathered by semi-structured interview. Research data were analyzed by using theoretical coding in open, axial and selected phases. Results showed that disastrous circumstances of being single is the most important context for entering in a risky marriage. Family disorganization, parent divorce, feeling loneliness and family poverty was crucial conditions for having a risky marriage. Participants had experienced different kinds of risky marriages such as emotional marriage, self-centered marriage, hidden marriage, expedient marriage, etc.

Keywords

Marriage, Divorce, Risk, Mate Selection, Family

1. Associate Professor of Sociology, Yazd University

2. MA Sociology, Yazd University

DOI: 10.22051/jwsps.2017.10643.1232

Submit Date: 2016-07-03

Accept Date: 2017-06-13